

ایلی گویجی

کونکول لر، بؤره کله، بیر بولیب باشلار
نارنسا بئشین، ارارنؤهر اقلار - داشلار

بیر سوهرادا نابیار قئلئنا آشلار
کؤته ریلر اول ائقبالی تورکمئینک

شماره ۱۹ نشریه ای در خدمت تدارک و تشکیل کنفرانس سراسری
شهریور ۱۳۷۰

الف - ایلی

باکدام واقییت باکدام طرح

« بخش دوم »

قایلی

یگ بررسی ساده

از

جنیش ملی - دموکراتیک
خلق ترکمن

« بخش اول »

پیشگفتار:

گذر زمان، اثبات کر
حقایق، نیکی و صداقت و
افشاگر زشتی، ناراستی و
پلشتی، یعنی تاریخ
عظمت و شکوه خویش، درسی
کران و تجربه ای نا یافتنی
اهداء قافله سالاران خسته و
رنجور نموده است. درس
نامه ای که بند و سطور آن
آغشته به خون عزیز ترین
رهروان حقیقت و عدالت و
زیبائی است. طوماری که
لابلای آن بوی رنج و عذاب و
سخت و شراذد چند دهساله
نسلحائی رامیدهد که هر
کدام برای تداوم حرکت،
پویندگی و استواری چون
جوانه ای سبز شدند و چون

بقیه در صفحه ۲

امروز در منطقه ملی ترکمن
صحرا حاکمی از آنند که تغییرات
عدیده ای در عرصه های
اقتصادی، سیاسی، مناسبات
اجتماعی توده های
مردم، روانشناسی توده
ها و نحوه زیست آنان
بوجود آمده است. رژیم
توکراتیک ج. ا. در طی این
مدت توانسته است بسیاری
از آینده های بیگانه با روح
مردم ترکمن را با سرکوبی
وحشیانه کوچکترین احساسات
مللی و دموکراتیک بدانان
تعمیل نماید. پیشبرد چنین
سیاست هایی در عین حال که
عصر نیرومند شوونیسیم
را حاصل بوده و با اهداف سرکوب
و مستحیل نمودن مجموعه
اعتقادات و درپیک کلام هویت

بقیه در صفحه ۲

واقعیات این است که
در تمام وضعیت جنبش
در منطقه، نقطه نظر
بسیار متعاد و ناهمگونی
در میان مبارزین ترکمن
خارج از کشور وجود دارد. اکثریت
تسریب به اتفاق این نیروها
سال هاست که جلای وطن کرده
و از مجموعه رویدادهای پس
از آن بدور مانده
اند. ارتباطات محدودی هم
که این نیروها با داخل
دارند، در عین حال که توانسته
بخشی از واقییت ها را به شکل
اخبار و گزارشات انتقال
دهد، ولی آن هنوز از دستیابی
به درکی عینی از مجموعه
تحولات روبه تغییر در کلیه
عرصه های حیات مردم ترکمن
مرسنگ هایدور است.

واقعیات است های

پیش به سوی کنفرانس سراسری

کنفرانس سراسری

ملی یک ملت صورت می پذیرد، ولی آن نتوانسته با اطمینان و جدود بنیان قانونمندیهای حاکم بر آن را دگرگون سازد. گرانی، رواج قحط و دپیکر انحرافات اجتماعی، تحصیل بیکاری، اشاعه سازمان یافته، مواد مخدر، کوچاندن و گنجهیل غسیل عظیمی از افراد غیربومی به منطقه و تلاش برای برهم زدن ترکیب جمعیت، تشویق غیربومی ها (بخصوص زابلی

ها) برای ازدواج با

دختران ترکمن، دامن زدن به اخلافات ملی و مذهبی، سلب اداره امور شهرهای منطقه از افراد ترکمن و سپردن ارکان اصلی حکومتی به دست ساکنین غیربومی، واگذاری بهترین زمین های منطقه به خوبشاندان و آشنایان سپاه پاسداران، جهاد، کمیته ها، بسیج و ...

قائل گردیدن بهمین در توزیع مواد غذایی، بوجود آوردن کمبود تصنیی ارزاق در منطقه، و ... از مزمره سیاست های مسزورانه و نمونه کویایی از جنایات رژیم اسلامی در حق مردم ترکمن است.

و ضمیت نللاکت باراجتماعی و اقتصادی در منطقه از یکسو و پیشبرد سیاست های شوونیستی - مذهبی از سوی دیگر که مجموعه آنان صخوجه پابمال نمودن فرور و افتخارات و هویت ملی ملت ترکمن است، امکان هرگونه حرکت سیاسی را ازشوده حاصل نموده و عملاً بخاطر وضعیت دشوار و اختناق

حاکم هر منطقه، آن در حالت رکود و سرمای برد. امروز در منطقه بخاطر تسلط همه جانبه رژیم بر شئونات زندگی مردم ترکمن حرکت های سیاسی زمینه های بسیار زمینگی

را آنتن هم در میان مردم و روشنفکران داراست. بهمین جهت زوی آوردن بسیاری از روشنفکران ترکمن به مسائل ملی

و فرهنگی و ایجاد دسته هایی عمدتاً خود انگیخته در این رابطه، قبل از همه معلول شرایط عینی امروز منطقه بوده و آن تنها با در نظر داشت مجموعه این پارامترها قابل تبیین است. کمترین گرایشات ملی در میان روشنفکران ترکمن، تنها انعکاس از تلاش و مبارزه یک ملت برای پاسداری از دستاوردهای ملی خود بشمار می آید. این یک قانونمندی است و همواره چنین بوده که هر ملتی آنجا که در تنگنای نابودی و استتعاله شدن قرار می گیرد، بحر حال دستاویزهای مناسب را برای رهایی از آن و تداوم بقا و خویش به عنوان یک ملت می یابد.

امروز سرودن قطعه شمری از شعرای کلاسیک ترکمن در مراسم عروسی ها و دیگر مجالس، تشکیل گروههای فرهنگی، ایجاد گروههای موسیقی سنتی و ... در همین حال که در راستای احیاء و تعالی دستاوردهای ملی یک ملت سمت گیری مینماید، از سوی دیگر دقیقاً متوجه تنظیم

تثوگسرا نیک رژیم ج.ا. است. بدینکسخن، امروز دسترا ملی مبارزه علیه ج.ا. در منطقه از کانال حلف و اشاعه مظاهر دستاوردهای ملی ملت ترکمن می گذرد. این بدان معناست که امروز در منطقه تلاش برای پاسداری از هویت ملی ملت ترکمن، محوری ترین عرصه مبارزه برای مقابله و طرد سیاست های شوونیستی - مذهبی رژیم ج.ا. م باشد. این مرحله رومی بایست بدرستی درک کرده و از اتحاد و پیوسته شدن در هرگونه سیاست های ماجراجویانه و ذهنی پرهیز نمود. شناخت این مرحله از مبارزه در ترکمن صحرا که به گمان من اساساً پامال های اوان

انقلاب تفاوت کیفی داراست، در اتخاذ سیاست ها و ارائه شمارها و طرحهای واقعی تنها آلتی است که الزاماً مبارزین ترکمن می بایست آن را مورد استناد قرار داده و آن را تا حد فرارویی به یک جنبش سیاسی ارتقاء دهند. بر اساس مجموعه پارامترهای فوق است که بهره گیری از کوچکترین روزنه ها برای کمک به خودآگاهی ملی توده هادر شرایط حاضر، خودمی تواند به بهترین پیرومندی برای مبارزه علیه رژیم ج.ا. بدل گردد.

برای اینکه مسائل مطروحه فوق را تدوین شده بیان کرده باشم باید بگویم که به گمان من امروز در ترکمن صحرا، حرکت های سیاسی به لحاظ سیاست های

سرکوبگرانه رژیم و ضعف محسوس منبرپهشاغنگ در تالشگرگذاری بروحیات نجاجمی توده های ترکمن از زمینه های شبردبسیار ضمیفی برخوردار بوده و کاربرد شمارهای ستیاضی در منطقه، کنشش و جاذبه بسیار ضعیفی را از سوی توده های مردم دارد. در واقع شکل مبارزه امروز در منطقه اساسا تغییر یافته و عرصه مسائل ملی و فرهنگی به لحاظ وجود زمینه های فعالیت و رشد و از سوی دیگر نداشتن مسائل امنیتی و جانی از قابلیت پذیرش و پیشبرد بیشتری برخوردار است. این امر در عین حال که در خود عنصر سیاست های ضد رژیم را دارا است از سوی دیگر یگانه بسترمناسب برای ایجاد شکل های دمکراتیک در منطقه است.

در کنار این واقعیت های پایست به یک نکته مهم اشاره نمود و آن اینکه رژیم ج.ا. با وجود پیشبرد سیاستهای سرکوبگرانه غشوش در منطقه، در مجموع از سیاست متناقض پیروی می نماید. این امر قبل از همه متوجه ناممکنی خود حاکمیت ج.ا. در اتخاذ سیاست هاست. بحرانی که رژیم را در همه عرصه ها فرا گرفته، آن را بخصوص در چند سال اخیر برای کاهش تنش های توده ای و ادار به

پذیرش سیاست های توده است که بنیانا با ایدئولوژی حاکم بر آنان مبیانت دارد. حاکم کردیدن سیستم اختناق و دیکناتوروی در کشور که موجبات محدودیت های جدی را برای ابراز اندیشه های دمکراتیک در کشور فراهم آورده، بر تاهم نچاریهای اجتماعی بیشتر دامن زده و این خود باعث گردیده که جناح به اصطلاح واقع بین

حاکمیت به اتخاذ سیاست های معتدل تری روی آورد. پیشبرد این سیاست ها در چارچوب دو اندیشه در کل حاکمیت ج.ا. قابل تبیین است و باید افزود که جاری ساختن آن در کشور همواره با موانع جدی از سوی عناصر تنگ نظر روبرو بوده و می باشد. در این بین مناطق ملی کشور اهمیت درجه اولی را به خصوص برای جناح واقع بین حکومت دارا است. آن برای حفظ نظام کشور و با خود همراه نمودن ملیت های کشور، مجبور به قائل گردیدن برخی امتیازات البته در چارچوب موازین اسلامی برای آنان است. برپایه سی جشتواره های موسیقی خلق ها از جمله این توجهات است، هر چند که آن هم از گزند ایجاد موانع مصنوعی و محصورات میارهای اسلامی و رعایت اندیشه های والا و مترقی حضرت امام در امان نیست.

مجموعه این سیاست های

متناقض حاکمیت در منطقه موجب بوجود آمدن امکاناتی نسبی برای برقی فعالیت های دمکراتیک با همان مختصاتی که ذکر گردیده است. این امکانات می تواند در صورت کسب سمت و سوی هدفمند و هدایت گرایانه، به نیروی مادی نیرومندی در آتیه بر علیه سیاست های سرکوبگرانه رژیم ج.ا. بدل شوند.

این خصوصیات و اشاره وار از وضعیت منطقه حاکی از آن است که مرحله جنبش در منطقه اساسا در فاز دیگری بسر می برد و آن چه به لحاظ شکل و چه به لحاظ مضمون مبارزه با سال های او ان انقلاب تفاوت های کیفی را دارا است.

این وضعیت عمومی جنبش در ترکمن صحرا می تواند به میزان زیادی ما را در انجام وظایف خود در خارج از کشور هدایت گریز باشد. بحمین جهت بدنبال گریز به جنبش در منطقه، گمان می کنم یکی از وجوه عمده مضمون مبارزه ما در خارج از کشور و بحمان ترتیب بنسبان طرح ها برای ارائه به کنفرانس روشن شده باشد.

من در اساس ارائه طرح خود برای کنفرانس سراسری دو اصل را محور قرار می دهم، یکی پیسوند ارگانیک مبارزه در داخل و خارج از کشور، و دیگری وضعیت مبارزین ترکمن در خارج

بقیه در صفحه ۷

مستحکم باد پیوند خلق های میهنمان

لاله ای سرخ کرده و حیات و شیره جان خویش را نثار مانندگان چشم در راه نمودند و رفتند. و اما باران، امروز اشک خون بر و برانه های دیروز بارانیدن و به ماتم و سوی هر آنچه که از دست رفت گریستن روش و منش و در یک کلمه طریقت تلاشگران راه عدالت و آزادی نیست، چرا که تا حرکت و جهش باشد، اشتباه و مسامحه را در کنار خود خواهد داشت و از آن گریزی نیست، و به قول حکیم بزرگمهر، همه چیز را همگان دانند. و همگان هم هنوز از مادر متولد نشده اند. این مهم است که از تاریخ، از شکست ها و اشتباهات اساسی درس گرفته شود. و صادقانه و با حوصله و دقت برای ساختن فراد به کار بسته شود.

امروز متدولوژی برخورد به گذشته هنر و نبوغ خاصی را طلب می نماید و بنا به اصل گذشته چراغ راه آینده، تکرار هرگونه مسامحه و ندانم کاری برابر با بن بست و نابرابری کامل می باشد. بایستی صادقانه به اشتباهات انحرافات هدیده واقف بود و هر آنچه را که منشاء و مسبباً این خطاها بوده با شجاعت دور ریخت.

بحران فزاینده و مرگبار هنوز هم سایه شوم خویش را بر دنیای سیاست و ثنوری سرود قبول پیشینه ها فرو افکنده است. بحرانی که با اثبات بی باکی اصولی که زمانی تغییر ناپذیر و

بدبختی جلوه می کردند توام بود. اگر تعصب را کنار بگذاریم و با چشمانی بازتر بر جهان پرتعمول بنگریم، حقایق را با تمام تلخی و سنگینی آن درک خواهیم نمود. برآستی کجاست آن اندیشه جادویی جهانممول که روشنفکران و مبارزین همه کیتی را از شرق افسانه ای، تا غرب واقع گرا، از سواحل سوزان قاره سیاه تا کشتزارهای آمریکای لاتین، که به حرکت و امیدداشت و مرگ بر امپریالیزم کویان، بر ارتجاع و سرمایه داری، بر بی عدالتی و ستم گری می کوفت؟ کجا رفت آن بیسنتی انیترناسیونالیستی که بر استقرار سوسیالیزم عملاً موجود بر نسیمی از کره خاکسی ما نقر می ورزید؟ کسجا بند آن سلحشوران و شوالیه های تفنگ بدست و سیانور در دهان، از بریکاد سرخ تا راه درخشان و از فدائی تا میر و ... برآستی که امروز سیمای جهان و کره خاکسی ما تغییر شگرف یافته است، این تغییر و دگرگونی مستوجه اردوی مبارزین ثابت قدم است که هر کدام بنا به فلسفه وجودی خویش و با الهام از ثنوری م - ل، نابودی نظام های طبقاتی و واپسگرایان ضدخلق را با وعده های آزادی و برابری طلبی، پیشه خود ساخته بودند. در کنار این حقایق باور نکردنی نظام های کاپیتالیستی تغییر و تحول نامحسوس ثری را پذیرفته اند و امپریالیزم کماکان به غارت

و استثمار خلیقهای جهان مشغول می باشد.

بررسی علل و ریشه های شکست تاریخی سوسیالیزم در پراتیک هر چند ضروری و لازم می باشد اما از حوصله بحث ما خارج می باشد، اگر هم مسائلی پیرامون این معضل طرح گردد، حول محور مسائل سیاسی و نظری ذکر ترکمن صحرا خواهد بود.

در کشور پهنانور ایران، جنبش چپ که نزدیک به یک قرن بخش بزرگی از روشنفکران انقلابی و تحول گرا را تحت تاثیر قرار داده و خود به ایده و الگویی خلیل ناپذیر فراروئیده بود، در اشکال متفاوت خود را ظاهر می ساخت و در واقع بر بستر تحولات سیاسی و ثنوریک در کشور ایران نیروهای متعدد و بیشمار با الهام از اندیشه کمونیستی، طرح ها و متدها و برنامه های کوناگونی را می آزمودند. همه این جریانات رهائی طبقه کارگر و زحمتکشان از دیکتاتوری بورژوازی، بر چیده شدن حکومت های استبدادی، برقراری عدالت و برابری و آزادی خلیقهای تحت ستم را پیش در آمد برنامه ها و پلانفرم های خویش قرار می دادند. جنبش های چپ که در اشکال و سازماندهی های متعددی بروز می یافتند و در مقاطع کوناگون حرکت ها و مبارزات مخفی یا نیمه علنی می داشتند، یکی پس از دیگری مقهور نظام های استبدادی و دیکتاتوری واقع می گردیدند و قبل از

تبدیل کردیدن به جریانی توده ای و گسترده، سرکوب می گردیدند. به جز سالهای ۲۵ - ۳۲ که حزب توده ایران به یسکی از نیرومندترین جریانات سیاسی در داخل اهوزبسیون تبدیل گردیده و برنامه های مبارزاتی فراکپری جهت سرنگونی رژیم شاه ارائه داده بود و در دو مناطق زیستی اقلیتهای ملی یعنی آذربایجان و کردستان از پایگاه مستحکمی برخوردار گردیده بود، در هیچ شرایطی احزاب و سازمانهای چپ متاثر از اندیشه م - ل، فرصت و شرایط تبدیل شدن به جریان گسترده و متکی به حمایت عمومی مردم ایران را نداشته اند. عدم پیشرفت برنامه های جریانات چپ جدا از حضور مستمر حاکمیت های بورژوازی، علت اصلی و ریشه ای دیگری داشته که امروزه با آشکارگردیدن مرفی مزمین و بطئی جنبش جهانی کمونیستی بویژه با مشاهده بحران عمیق و فراگیر در جوامع سوسیالیستی به وضوح مشاهده می گردد.

بطور کلی مردم ایران که بمان روشنفکران عادت ندارند مسائل را پیچیده و بفرنج ببینند، از همان بدو پیدایش اندیشه های چپ و کمونیستی بر بستر مبارزه با استبداد و دیکتاتوری شاهان، علائق چندانی نسبت به این اندیشه نداشته و بدیده منفی و بدبینانه بر عواقب استقرار چنان تفکری می نگرینند.

مردم ایران بدلیل همجواری با اتحاد شوروی و مشاهده سیاست های جاه طلبانه کمونیسم در دوران استالین و جانفشینانش و آگاهی از سرکوب ها و اختناق شدید در جامعه شوروی راه نجات و رهایی خویش را مرکز در جلب حمایت اتحاد جماهیر شوروی و پذیرفتن الگوی روسی کمونیسم ندانسته و همواره به آلترناتیوی ثانوی می اندیشیده است.

در مناطق زندگی اقلیتهای ملی که دائم از جانب حاکمیت های استبدادی و دیکتاتوری تحت فشار ها و ستم های مضاعف بودند واکنش ها اندکی متفاوت بود. از دیدگاه اقلیت های ^{ملی این حالت ها} مستقیم مردم فارس (یعنی سوان ملت بزرگتر) نبوده اند ولی از آنجائیکه جانب رشد فرهنگ زبان و تاریخ و ... ملت فارس را به قیمت نابودی دستاوردهای فرهنگی و ملی و ارزش آنان و در جهت اهداف و منافع حکومت خویش می داشتند، رهایی از وضع موجود تغییر مناسبات ناعادلانه، تخفیف فشارهای فزاینده انگیزه ای میگردید تا آنان را به سوی جریانات چپ، که شعار برابری حقوقی ملتها و خودمختاری ملی را سر میدادند، سوق بدهد، بطوریکه در اوایل خیزش و جنبش جریانات چپ آذربایجان و کردستان و در این اواخر کردستان و ترکمن صحرا، به مناطق نفوذ و مرکز فعالیت گروه های چپ تبدیل گردیده بود. جالب است که مشابه شرایط ایران، در کشورهای

همجوار یعنی ترکیه، عراق و پاکستان نیز جاری بوده است. در کردستان ایران هر چند نیروهای چپ به عنوان نیروئی جدی و پر سابقه و تلاشگر مطرح بودند، اما بنا به تجارب تاریخی و مشاهده عملکرد جریانات سیاسی چپ در سطح بین المللی و بویژه در کردستان (ایران، عراق، ترکیه و سوریه و ...)، ملت کرد تدریجا حمایت خود را از این جریانات کاهش داده و به سوی جنبشی شتاخت که دفاع از منافع ملی و حفظ وحدت ملت کرد را در سر لوحه پلاتفرم آزادیخواهان خود قرار داده بود. در واقع بر بستر خیزش های کردان که در آن جریانات چپ ثقل خاصی داشتند، در پروسه ای که چندان طولانی، کردان ایران به حزبی با مختصات برنامه ای ملی - دموکراتیک دست یافتند. بدلیل رشد آگاهی و شعور ملی، ملت کرد برای سایر گروه ها و جریانات سرتاسری نیز این شرایط را فراهم میکرد تا آزادانه به فعالیت پرداخته و ایده و سیاست خویش را تبلیغ نمایند.

در ترکمن صحرا وضعیت متفاوتی حاکم بود، درست شروع قرن ۱۴ هجری مصادف با خیزش عمومی و آغاز مقاومت های آزادیخواهان ترکمنها در مقابل ارتش سرکوبگر شاهان بوده ترکمنها برای پاسداری از سرزمین، منابع فرهنگی اقتصادی و به طور کلی موجودیت و هویت خویش، چاره-

ای نداشتند تا مقاومت بکنند. در واقع اندکی بعد از پیروزی انقلاب اکتبر و تشکیل گوردیدن جمهوری ترکمنستان بود که رضاخان عزم خود را بر سرکوب ترکمن های ایران جزم کرده بود. مقاومت خلق ترکمن را عده ای از سران طوایف و روحانی مشهور چون عثمان آخون که در میان ترکمنان از ارج و احترام خاصی برخوردار بود رهبری میکرد. ادامه مقاومت ترکمنها در قبال رضاخان منجر به تشکیل گوردیدن جمهوری ترکمنستان ایران گردید که در رأس آن عثمان آخون قرار داشت. در این اوضاع و احوال نعمت چپ در ایران در دوران نوزائی بصر میبرد و غربت آنرا تا سره با برنامه ای نراکبر شکل نگرفته بود. (قبل از دستگیری گروه ۵۳ نفره دکتر ارانی). هیچ گونه شواهدی از تاثیر مستقیم اندیشه چپ در شکل گیری جمهوری ترکمنستان ایران مشاهده نمیگردد و ترکمنها بر اساس عرف دیرینه و سنتی که ملهم از دموکراسی قوی بوده ای بود، توانستند مقاومت جمعی و گسترده و دموکراتیک را در قبال دیکتاتوری رضاخان سازمان بدهند.

برآمدهای ملی گرایانه در دوران انقلاب بچمن

بعد از سرکوبی جمهوری ترکمنستان ایران، نعمت های خلق ترکمن در اشکال و مضامین مختلف خود را نشان میداد. این نعمت ها بی

رحمانانه سرکوب میگردیدند، ترکمنان مبارز و آزادپنخواه بضا با ایل و تبار به نقاط نامعلومی تهمید می گردیدند، که امروزه اثری از آنان باقی نمانده است. بدلیل فشار فزاینده از جانب خاندان پهلوی جنبش ملی خلق ترکمن شدیداً تضعیف میگردد و خود این امر باعث میگردد تا نسل بعدی در مقابل اندیشه های وارداتی دچار اشتباهاتی گردد. بطوریکه در مقطع سال ۳۲ جنبش ملی - دموکراتیک خلق ترکمن تحت تاثیر برنامه های حزب توده و جبهه ملی قرار گرفته و خود نقش مستقلانه و گسترده ای نداشته است.

در دهه ۵۰ مجدداً تحولاتی در تاریخ مبارزات سیاسی - دموکراتیک خلق ترکمن هر چند کم رونق و کم جلوه مشاهده می گردد در واقع بخشی از روشنفکران و تحصیل کرده های ترکمن همزمان با خیزش فدائیان و مجاهدین خلق به عنوان پرچمداران جنبش انقلابی و جوان ایران در سالهای (۴۹ - ۵۰) به فعالیت های سیاسی می پردازند. آنان با اعتقاد عمیق به ملی گرائی. محافل فرهنگی سیاسی را رهبری می کنند که دفاع از آزادی ملت ترکمن و تامین عدالت اجتماعی در سرلوحه آن قرار داشت. فعالیت های فرهنگی و هنری که این محافل داشتند، دقیقاً در مقابل فرهنگ زدائی و هویت زدائی رژیم شاه قرار داشت. فی الواقع این اقدامات

پیش در آمد حرکتی ملی گرایانه بود که متأسفانه در مرحله نوزائی و رشد پایه ای با پورش ساواک، و دستگیری فعالین این محافل از تداوم و گسترش باز ماند.

جریان ملی گرائی که در دهه ۵۰ از روشنفکران ترکمن شکل گرفت، به لحاظ سیاسی همگام با حرکت عمومی روشنفکران ایران بود که خود اقدامات آزادیخواه عمومی در قبال شاه را هماهنگ می نمود، اما به لحاظ عقیدتی، جریان مذکور تحت تاثیر روشنفکران چپ و ایدئولوژی مارکسیسم بود. این جریان در عرصه تشکیلاتی هیچ گونه وابستگی به سازمان های چپ ایرانی نداشته است.

در سالهای فوق روشنفکران و نیروهای جوان که در دانشگاهها و مدارس عالی تحصیل می کردند، در این محیط با ایده های نوین و فعالیت در فازهای سیاسی - صنفی آشنائی پیدا می نمودند. برخی نیز به عنوان نیروهای فعال سیاسی در معرفی اخراج یا زندان دستگیری قرار می گرفتند. این بخش از روشنفکران جوان ترکمن در این محیط ها با اندیشه فدائی نیز آشنائی یافته و به صورت مدافعین سازمان فدائی عمل می کردند. در واقع اندیشه فدائی از چنانچه محیط جذب گردیده و در میان نیروهای جوان ترکمن صحرا اشاعه می یافت. نکته مسخوری که در بررسی زمینه های نفوذ اندیشه فدائی در بین ترکمنان باپستی مد

کنفرانس سراسری
از کشور و مضمون وظایفی که
آنها در راستای تحقق
اهداف استراتژیک ملت ترکمن
بر عهده دارند. بر این اساس
من دو مضمون وظیفه را برای
خودمان در خارج از کشور قائل
هستم، ولی به شهر دهر دو این
وظایف منوط بدانست که اولاً
ما تا چه حد وظایف مرحله
کنونی جنبش ترکمن سراسری
می کنیم و ثانیاً به چه میزانی
قادر هستیم مجموعه توان
و ظرفیت این نیروها را

در خدمت اهداف یاد شده
بکار گیریم.
تابه امروز شواهد حاکی
از آنست که مجموعه تلاش های
مبارزین ترکمن در خارج
از کشور نتوانسته است
تأثیر معینی را بر جنبش
داخل بگذارد. عمده نثریاتی
کننده نثر آنان تابه
امروز نیز ادامه دارد، به
لحاظ مضامین عمدتاً سیاسی
و تئوریک خود با داخل
کشور نمی توانستند راه

یابند و با مسائل مسطر و
در آنان پاسخکوی وظایف این
مرحله از جنبش در ترکمن
صحرانگینند. این نثریاتی با
اینست که مجموعه تلاش
ها و فعالیت های خویش را با هدف
تأثیر گذاری بر جنبش داخل
ترکمن صحرانگین و دیگر سخن در خدمت
بهداری ملی ملت ترکمن برای
مبارزه علیه رژیم ج. ا. ا.
تسرا داده اند، ولی
ممکن است که به همان دلایل

حیات تحریریه محترم ایل گویچی

با مشاهده انتشار شماره
۱۷ نشریه تان به نظر
آمد این بار نسبت به
برگزاری کنفرانس سراسری
مورد نظر تان مصمم تر و جدی
تر شدید. لذا امیدوار شده
باشم نهاداتی را برای تان
ارسال می دارم.
به نظر من کنفرانس می
تواند مجمع عمومی نیروهای
جنبش خلقمان در خارج از
کشور باشد. بدین معنی
که تمامی علاقمندان در
همه مراحل بتوانند فعالانه
شرکت کنند. البته هر جمع
و گروهی نیز باید حق داشته
باشد چنانچه نخواهد به
تشویق اعضا و هوادارانش
اکتفا بکند بتواند بحر
تعداد نماینده بفرستد. مهم
این است امکانی
فراهم شود تا تعداد هر چه
بیشتری بتوانند جمع شده و
مشترکاً به قراری برسند.
بدین ترتیب مجمع عمومی
تسبوهای جنبش خلق خلقمان
خلقمان در خارج از کشور جهت
حل و فصل مسائل فی مابین

در رابطه با پاسخکوی به
ضرورتها، عنوان کنفرانس
سراسری را خواهد گرفت.
برای برخورد جدی و
مسئولانه به مسئله وحدت و
اقدام عملی برای تدارک و
تشکیل کنفرانس لازم است
کمیته ای بنام کمیته
تدارک و برگزاری کنفرانس
تشکیل شود. اعضای کمیته را
جریانات ایل گویچی و
ترکمنستان ایران و همینطور
تازه یول اگر چنانچه به
کنفرانس سراسری اعتقاد
داشته باشد، میتواند با
توافق هم به تنهایی یا
بطور مشترک تعیین کنند و
بلافاصله تشکیل آنرا به
افرادیکه انتظار همکاری و
همفکری
دارند بمرام آدرس اطلاع
دهند. در انتخاب آنها جهت
تسریع کار در نظر بگیرند که
در یک مسخوده قابل
دسترسى به هم دیگر اقامت
داشته باشند تا برگزاری
جلسات و بهشبرد هماهنگ و

بموقع تصمیم اتخاذ شده صرف
هزینه و صرف وقت به حداقل
برسد. سپس کمیته : ۱-
وظایف خود را با زمان بندی
مشخص کرده و در پایان کسانی
را که اظهار علاقمندی و
همکاری نمودند از بهشرفت و
نتیجه کار خود مطلع نمایند.
۲- به منظور فعال نمودن
عناصر مسنفرد و گروهها و
دستجات اقدام به برقراری
تماس های تلفنی، مکاتبه ای
و حضوری نمایند.
۳- جهت تأمین هزینه های
کنفرانس چاره یابی کرده، از
علاقمندان و آشنایی که اعلام
همکاری کردند اقدام به جمع
آوری کمک مالی بکند.
۴- به کسانی که خواهان
شرکت در کنفرانس هستند،
جمع بندی نظریات ارائه شده
و نیز تصمیم منخذه درباره
نحوه برگزاری کنفرانس را
اطلاع دهند.
۵- به افرادیکه شرکت آنها
در کنفرانس قطعیت یافته،
زمان و مکان برگزاری
کنفرانس حدالامکان زودتر از
۲ الی ۳ هفته قبل اطلاع داده
شود.

یکی از خوانندگان

ذکر شده از میزان تاثیر گذاری به پارتی نامحسوس برخوردارند. مدگی این امر در نشریات خارج از کشوری در عین حال که در تمام سز با مضمون و وظایف این مرحله از جنبش در منطقه قرار دارد، از سوی دیگر از جمله پارامیترهایی است که همچنان پراکندگی نیروهای ترکمن را تا دوام می بخشد. پرداختن به وجوه سیاسی و نظری جنبش ترکمن صحرادرعین داشتن اهمیت استراتژیک برای تجهیز ملت ترکمن به برنامه ای روشن و هدفمند، ولی از سوی دیگر عمده ساختن آن در این مرحله، مبارزین ترکمن را از پرداختن به وظایف لحظه ای و مستعابا مساعدت به حرکت های ملی - دیموکراتیک در منطقه منزوی می سازد. باید که این تناقض را حل نمود و در صدارت طرحی برآورد که مجموعه وظایف فوق را در خود در برداشته باشد. به گمان من گام اول در راستای تحقق وظایف مربوطه، انتشار نشریه ای عمدتاً با مضمون ملی و دیموکراتیک است که بتواند در خود مجموعه ای از آثار ملی، فرهنگی ادبی، تاریخی، فلکلوریک و... ملت ترکمن را بازتاب دهد. پیشبرد این امر از دو جنبه حائز اهمیت است، یک جنبه آن که آن می تواند مسیباتی وحدت همه مبارزین ترکمن خارج از کشور قرار گیرد و جنبه دیگر آنکه به لحاظ وجود مضامین کاملاً ملی و دیموکراتیک آن هم امکان

ارسال آن بداخل وجود دارد و هم می تواند یاور نیرومندی برای آن روشنفکران ترکمنی باشد که با پاسداری و ترویج میراث ملی ملت خویش به تیرد با رژیم ج.ا. بر خاسته اند. در شرایط تشنگی و تفرق نیروهای ترکمن، تشناوتها انتشار مشترک نشریه ای فرهنگی است که می تواند همه این نیروها را صرف نظر از تنوع عقاید و نقطه نظرات آنان بدور خود گرد آورده و زمینه هایی مادی را برای کار مشترک پیرامون بنیانی ترین مسائل جنبش ملت ترکمن فراهم نماید. ارائه هرگونه طرحی با مضمون برنامه ای - سیاسی، یا توجه به اینکه در شرایط رو به تحول جهان امروز دیدگاه های موجود در کلیه آنها هنوز فاقد بنیانیات و اثبات شده هستند، نمی تواند تامین کننده وحدت نیروها را من در مقطع کنونی باشد. این دگرگونی های سیاسی در عین حال که مورد اذعان همه نیروهای سیاسی در جهان قرار دارد، حتی در برخی از عرصه های آن بحث های جدی نیز جاری است. این تحولات به نوبه خود مورد توجه مبارزین ترکمن نیز قرار داشته و در نشریات آنان هم بازتاب یافته است. بطور نمونه در ایل گویچی شماره ۱۶ آمده است که با توجه به تغییر و تحولات پیش آمده و با توجه به وضعیت نوین جنبش و شکست آن تفکر های کهنه و با توجه به تجارب

حاصله در سطح ملی و بین المللی، باز نگریهایی در رابطه با مقولات مختلف از جمله مسئله ملی صورت گرفته و اندیشه هایی نو و خلاقانه ارائه می گردد. نیروها تا پیشرو خلق ترکمن نیز باید که در این روند به سهم خود تلاش ورزند. (ایل گویچی شماره ۱۶، ص ۴) و با در نشریه ترکمنستان ایران می خوانیم "

این پیش نویس ها (پیش نویس های کهنه) که در شرایطی کاملاً مخفی و بالطنین بدور از چشم بخش عمده مبارزین ترکمن تدوین شده بودند، امروز از یکسو بعضاً پاستفکوی تمامی مسائل مطروحه نیستند و مسائل ما نیز همان مسائل گذشته نبوده و شرایط امروز تا حدودی زیادی با مقطع زمانی اعلام استقلال کانون فرق می کنند. تغییرات عظیم جهانی و دگرگونی های داخلی در طی چند سال بعد از اعلام استقلال کانون، تغییر و تحولات اساسی در دیدگاه های بسیاری از نیروهای ترکمن ... از جمله این تغییرات هستند. (ترکمنستان ایران شماره ۲۷ - ۲۶، ص ۷)

(تاکیدات از من). حال در این وضعیت دگرگونیها پیوسته در عرصه مسائل سیاسی و نظری، چگونه می توان به طور مثال با آن تفکری موافقت نمود که بنیانیات طرح وی برای کنفرانس سراسری برپایه های استوار است که هر آن امکان تغییر و حتی نفی آن

آق مراد کورکه نلی

گوراوغلی

آفتاب تابان شرق در ادبیات حماسی

بخش اول

گوراوغلی دك داغدان - داغا او غراسام

غاننم جاننن غنیم - غنیم دو غراسام

حماسه گوراوغلی در منطقه آذربایجان، ایران، قفقاز، آذربایجان ارمنی، کرد، گرجی، لزگی، آبخاز، گورال، اوغوز (قاقاز) ... گسترش یافته برغم مرزهای سیاسی و ملی و نژادی و گوناگونی زبان و مذهب مشهور گشته، بر سر زبان ترانه سرایان سازبندست (اوزان، باغشمی، عاشق ...) و داستان گویان افستاده در فولکلور و ادبیات مکتوب و غیر مکتوب و موسیقی و ترانه های مختلف ادبی - هنری برای خود جایی باز کرده، علاقه خلقها را چندان به سوی خویش جلب کرده که هر یک از آنان قهرمان داستان را از آن خود دانسته اند حتی مورخ و محقق مشهوری چون پرفسور فاروق سومر (ترکیه) سعی می کند برای کوراوغلی در ترکیه تاریخ و مکانی بیابد.

نفسه نفوذناثیر حماسه گوراوغلی و روح رزم جویانه

وی نه تنها در گذشته بلکه در عصر ما نیز مورد توجه فعالین جنبش ملی - دمکراتیک خلیفمان بوده پادمان وی در قلبان روح مبارزه جویانه خلقت یاری می رساند و هر از گاهی پاران تسلیم بدست مادر باره شخصیت وی مقالاتی می نویسند، غلام لاری بییتی، سوزلری اوتکتیر، یاشلاری اوزاق بولسکن

در ایسل کویچی ۱۷- تپیره ۱۳۷ ترجمه ای از الفیدایلی تحت عنوان "گوراوغلو سمیل دوستی و رزم مشترک" چاپ شده که خود بیستی تقدیر است. درباره این مقاله یادداشتها و دیدگاههای دارم که ذیلا ذکر می شود. امیدوارم گسترش این نوع مباحث علمی به روشنتر شدن ابعاد هر چه بیشتر فرهنگ و حماسه مردم، منجر گردد، بقول مولوی :

عقل قوت کیرد از عقل دیگر
هیشه کر کامل شود از همیشه کر

در مقاله ارائه شده توسط ابلی متاسفانه روح ترکمنی

بسیار کم می باشد. حتی در آن مقاله ترکمنهای آق غویسونلی ساکن آذربایجان با ترکمن ساکن در آسیای مرکزی بیستاد شده، دائما با یکدیگر مترادف آورده میشود. تیتیر مقاله بجای گوراوغلی، "گوراوغلو" نوشته شده که هر چه سعی کردم تلفظ کنم چیزی عایدم نشد. بعبارتی ایشان تلفظ آذری آنرا مرقوم فرمودند و زیر آن نوشتند: "سمیل دوستی و رزم مشترک". آیا نمیتوان این دوستی و رزم مشترک را با تلفظ ترکمنی "گوراوغلی" رساند؟ خوب بگذاریم

شاید کم دقتی باشد. والبتنه چه خوب میشد که مترجم در گزینش خویش برای ترجمه از آثار نویسندگان و محققان فولکلور شناسان آسیای میانه (ترکمن، ازبک و ...) بقیه در صفحه ۱۰

خاط گه ره ك

اوقو گه ره ك

تورکمنچه

مکتب گ ره ك

آذربایجان و ترکیه بهره می گرفتند تا 'باخوموف'، 'کریپسکی' و با اثر محققان قفقازی و تفریسی و... البته بنده مخلف بهره جری از آثار محققان غیرترک نیستم ولی ابتدا بقول معروف آنچه خود داریم و بعد... ونیز چه خوبا میشد هر چند نارسا و ناکافی هم باشد از تحقیقات خویش مایه می گذاشتید تا ترجمه یک تحقیق که دقیقا در قالب ایندلوژی خاصی که همه چیز را با پیشداوری به محک قضاوت می کشد وای کاش از آخرین تحقیقات علمی - فرهنگی در باب این شخصیت بهره می جستید. بحر حال برویسم سراغ مقاله مجهول المؤلف الف - ایلی.

در 'ردیف اول مرتوم فرمودید: 'حماسه کوراوغلی اولسین یار در میان آذربایجانیا و ترکمن ها رواج یافست. این بدان معناست که هسته اصلی حماسه کوراوغلو عمدتا در محیط آذربایجانیا و ترکمن ها در قرون ۱۷ - ۱۶ میلادی پدید آمد.' یا 'احتمال داده می شود که هسته اصلی این حماسه در تبریز شکل گرفته باشد.' (ص ۸ ردیف دوم).

مؤلف برای یک چنین حکم مسلم خویش منجیمی ذکر نکرده، این از اسلوب یک کار تحقیقی بدور است. از آن گذشته مرتبا آذربایجانیا و ترکمن را مترادف گرفتند بدون اشاره به کدام ترکمن (آسیای صغیر یا آسیای مرکزی). برای نام کوراوغلی هم یک دیسکته خاص

در نظر گرفته بس که جا کوراوغلی، یک جاکوراوغلو و در جای دیگر کوراوغلو آورده. چرا احتمال ندادند که هسته اصلی این حماسه در بین ترکمن ها باشد؟

و اما در باره پیسدایش اسطوره کوراوغلی نظریات پس پیچیده و جدلی چه در گذشته و چه در حال رواج داشته و دارد و اساسا به ریسه برخوردار دو دیدگاه تاریخی در باب پیسدایش تمدننا بر می گردد. برخی شرق را حامل و زادگاه تمدننا می دانند و برخی محققان سرزمین رم و یونان را آفریدگار آن. گرچه یافته های باستانشناسی از تمدن هائی همچون 'سومر'، 'انور' که ریشه در تمدن ترک و ترکمن حکایت دارند و حتی برخی از دانشمندان چون ویل دورانت شرق را مهد تمدن نامیده اند بر اکثر مجهولات پاسخ داده شده مع الوصف برخی از متعصبان در علم و بقول معروف غرب زدگان علمی، غرب را مهد تمدننا می دانند و در همین رابطه است که خورشید درخششان اسطوره های ادبی ترکان همچون 'فورقوت آنا' و 'کوراوغلی' مورد بحث و جدل بیشتری قرار گرفته است. و در همین راستاست که برخی از دوستان ما بقول معروف 'کوپرینی کوریا رلر، دشکنکی کوره نئوقلار'. این کزوه صرفا آثار چاپ شده حماسه هایسما را در قرون ۱۹ - ۱۸ در آذربایجانیا و قفقاز و آناتولی ملای قرار داده

از معلول بعلت می رسند و حکم صادر می کنند که هسته اصلی این حماسه ها در بین ساکنین غرب بوده است. چون در آن از ارس، کسرجی ها و پاشاها... نامبرده شده است کوبا نمی توان آلتیای باغی را آناتولی، آسی دریا را ارس، پیسدایشها را به کسرجی ها و... تغییر داد. دوست ترکمنی از کسرجی قاپوس نوشته چون در آثار کوراوغلی (منظور کتاب چاپ شده کوراوغلی) ذکری از قهوه خانه شده و در بین ترکمنها قهوه خانه وجود ندارد پس این حماسه متعلق به آذری هاست اا و افکاری از این دست...

در باره شکل گیری حماسه کوراوغلی اکثر محققان متفق القولند که شرایط تاریخی و کشمکش های گوناگون تاثیر مستقیمی داشته است. برخی کوراوغلی را از بقایای یادمان های جنگ 'کوک توک' هاگربیی (اجداد ترکمن ها) با سانسای ها دانسته و وجود تاریخی کوراوغلی را نیز بهمان دوران می رسانند (نقل از زکی ولیدی طوغل - اورتا آسیا تاریخی). محمد نواد کورلو را بازتاب چشنگهای ترکان اوغوز با مرزداران ایرانی می داند. در این مورد می نویسد: دسته ای ترکان که در اواخر سانسایان در دشتهای ماورا خراسان و خزر و سرحدات خوارزم - استرآباد زندگی می کردند وظیفه نخبانی از سرحدات توکیه ایی (ترکمن در دائره المماره بقیه در صفحه جد

چنین، را به عهده داشتند. خان نشین منطقه برهبری "پول خان" با اعراب نبردهای سختی داشت و بالاخره این خان نشین در سال ۹۹ - ۹۸ هـ (۷۱۷ م) کسه بدست یزیدین ملقب بر افتاد. در تشکیل و گسترش این خان نشین ها اوغوزهای کوچ نشین در اتحادیه کوی تورک ها نقش بسزایی داشتند. افسانه گور اوغلی هم به مثابه خاطره زد و خوردهای همسین ترکان اوغوز با مرزداران ایران در دوران پیش از اسلام شکل گرفته در دوران بعد از اسلام در جریان مهاجرت اوغوزها از طریق خراسان به ایران و سپس به آذربایجان و آناتولی صورت گرفته، انتقال یافته است. در این افسانه جنگهای یک خاقان مستقل کوچک با ایرانی ها مورد بحث نیست بلکه از تاغ و تازهای یکی از "طار خانهای" (طارخان - بنده آزاد شده) وابسته به خاقان است که سخن می رود. "جنگ سکا ها، هون ها با امپراطوری هخامنشی و سایر نیر های ایرانیان و تورانیان در پیدایش قهرمانان حماسی بی تاثیر نبوده است. اساطیر و داستانهای حماسی ملت ترکمن نه تنها سینه به سینه بلکه در سنگ نبشته های تاریخی همچون "کول تکین"، "اورخان"، "ینتی سئی" و علاوه بر آن در اشعار شامان ها، باغشلی ها و از همه گویاتر در حماسه "غورقوت آتا" نقش بسته است. امرفی حماسه غورقوت آتا که از

آثار کلاسیک جهان بشمار میبرود جایگاه خاصی و صحبت ویژه ای می طلبد (غرض بیان رابطه و قرابت گور اوغلی با غورقوت آتا می باشد. غورقوت آتا شامل ۱۲ بای (داستان) می باشد که چند بای آن با "شاخه" های کیبور اوغلی شباهتمایی دارد از آنجمله "دیبرسه خان اوغلی" بوغاجننگ بایی (داستان بوغاج پسر دیبرسه خان) که با شاخه "عوفی کبیره ن" (آوردن فرزندان خوانده، عوفی) گور اوغلی و همچنین در "بامسی به یه رک بایی" (داستان بامسی به یه رک) آوردن "دنکگز غولونی" (اسب دریایی) برای وی با منشاء پیدایش قیرآت (کره اسب دریایی)، نبرد گور اوغلی با حارمان "آلی" در داستان سوم غورقوت آتا بتجویی اشاره شده است. بررسی نقادانه هر دو اثر حماسی مسلما باز هم قرابت های بیشتری را نشان خواهد داد که متاسفانه در حینی که این سطور را می نویسم هیچیک از منابع فوق را در اختیار ندارم که فاکت های جالبتری ارائه دهم.

برگردیم به مقاله ارائه شده توسط ایللی. ایشان چند سطر بعد مرقوم فرمودند که "در روایت آذربایجانی، حماسه مذکور داستان قهرمانه ای است که از چند قسمت جداگانه ساخته شده و در آنان در باره نبرد گور اوغلی و منجمله تولد و مرگ وی نیز سخن می رود" ولسی در صفحه ۱۰: "اگر روایت ترکمنی با تولد

قهرمانه گور اوغلی آغاز می گردد ولسی این (منظور مسئله تولد گور اوغلی) را در روایت آذربایجانی وجود ندارد. نمی دانم این بیدقتی و نا تحقیق را به حساب مولف گذاشت یا مترجم؟

برای روشن شدن اذهان خوانندگان یادآوری نمود که حماسه گور اوغلی در بین ترکمن ها (منظور ترکمن های آسیای مرکزی) شامل ۴۴ شاخه می باشد که تنها ۱۳ شاخه آن به سمت "آتا غوشوت" نویسنده برجسته ترکمن در دهه ۵۰ در ترکمنستان شمالی چاپ شد بنا به گفته پالسوان باغشلی آتا اوغلی "که ۱۲ شاخه از گور اوغلی را در سال ۱۹۳۷ بصورت کامل از حفظ نقل کرده روایت می کنند که پدرش در اواخر قرن ۱۸ و اوائل قرن ۱۹ حماسه گور اوغلی را که عبارت از ۴۴ شاخه می باشد در یک اجتماع بزرگ باغشلی ها اجرا کرده است. او (پدر پالسوان باغشلی) از بیان آخرین قسمت (شاخه) که مربوط به مرگ گور اوغلی می باشد بخاطر نحت تاثیر قرار گرفتن شنوندگان امتناع می کرده است. بنا به نوشته تاریخ ادبیات ترکمن تا کنون ۲۴ شاخه از ۴۴ شاخه گور اوغلی بوده بفرار زیبرند: " پالسوان باغشلی آتا اوغلی، پالسا باغشلی هارا اوغلان، مخدومقلی هارلسی (چوال باغشلی) غوربان جوما اوغلی، موسناق باغشلی، اولباغولی باغشلی.

ادامه دارد

کنفرانس سراسری ... از کشورها عبارت می
وجود دارد؟ مبنای قرارداد این
ایده های ما که موجبات
پدید آوردن اغـتـلانات
چدیدترو بهمین میزان
پراکندگی بیشتر گردد. اساس
وحدت نیروها بر پایه مضامین
سیاسی و برنامه ای الزامی می
بایست در طی یک پروسه منطقی
شکل گرفته و گام اول
و قسطی برای نامین این
منظور فراهم نمودن امکان
بهره گیری از مجموعه توان
و خرد و دانش مبارزین ترکمن
در چهارچوب یک تجمع منسجم
با موازین
دمکراتیک و حول مسائل ملی -
دمکراتیک ملت ترکمن است.

همانطور که فوقاً اشاره
نمودم، انتشار نشریه ای مشترک
با مضمون ملی - دمکراتیک، گام
اول و اساسی در گردآوری
مجموعه نیروهای ترکمن در یک
راستای واحد است. به گمان من
این نشریه در شرایط
امروز که ایجاد انجمن های
فرهنگی هر آن گسترش می
یابد، می تواند به ارکان
انجمن های فرهنگی
ترکمنهای مستقیم آلمان
یا سوئد تبدیل گردد. با اینکه
امروز هنوز روند تاسیس انجمن
های فرهنگی در کشورهای مختلف
در جریان است و هنوز اتحادیه
انجمن های فرهنگی شکل
نگرفته، ولی می توان با این
وجود نشریه فوق را تحت همان
عنوان انتشار داده و در آنتیه
باشکل گیری این اتحادیه
آنرا ارکان اتحادیه
مزبور اعلام نمود.

اما انتشار یک نشریه
فرهنگی تنها یک وجه از مضمون
مستبازره نیروهای خارج

سازد، جنبه دیگر این وظیفه
پرداخت به مسائل بنیانی
جنبش ملت ترکمن است. در اساس
ارائه چنین وظیفه ای، جمع
بندی مجموع وقایع گذشته
در ترکمن صحرا عمده ترین
مسئله ای است که فراروی
نیروهای ترکمن
قرار دارد. پرداخت به این امر
مستلزم بکار گیری مجموعه
توان و دانش و تجربه نیروهای
ترکمن در یک راستای
هدفمند است. تبیین این نقطه
نظر باید بگویم که نیروهای
ترکمن خارج از کشور جهت
هموار نمودن زمینه های تدوین
یک برنامه صریح و منطبق
با ویژگیهای ترکمن صحرا، می
بایست که مجموعه چهارب
دیروزین ترکمن صحرا و عام
ترین بنیانهای اندیشه
های نوین پیرامون مسئله ملی
راجعت بهره گیری نسل های
آتی ترکمن از آنان موزد بررسی
و کارکرد قرار دهند. من آن
اندیشه ای را که وظیفه
پرداخت به تدوین برنامه
ای برای جنبش ترکمن
صحرا در ذهن می پروراند کاملاً
غیر منطقی و ذهنی دانسته
و اعتقاد دارم که چنین
تفتکری، درک واقعی از رسالت
و جایگاه خویش در خارج
از کشور ندارد.

بر این
مبنا، تنها مکانیزمی که می
تواند این امر را تحقق
بخشد، انتشار نشریه ای سیاسی
- تئوریک با مضمون جمع
بندی چهارب گذشته ترکمن
صحرا و پرداخت به عام ترین
بنیانهای مسائل مطرح
در جنبش ملت ترکمن است. برای

پیشبرد دو وجه وظیفه فوق
نیازی به تشکیلات و تشکیلات
سازی در شکل ساختار حزبی کلمه
نیست و آن ها با پداز سوی افراد
داوطلب و توانمند - هدایت
و پیششبرده شوند. مسئله
سازماندهی نیروها به
همراه دیگر مسائل نظری
و سیاسی پیرامون جنبش ملت
ترکمن، می بایست که
در پروسه و با اشتراک ملی
مجموعه نیروهای ترکمن
و از کانال بحث و فحس در نشریه
سیاسی - تئوریک صورت پذیرد.

برای اینکه تصویر روشن
و صریحی را از آنچه که بیان
نمودم ارائه کرده باشم، باید
بگویم که به نظر من
دستور کلی جلسه کنفرانس
سراسری می بایست وظیفه
مادر خارج

از کشور چیست؟ باشد و مجموعه
نیروهای ترکمن باید حول
دو محور انتشار نشریه
فرهنگی و سیاسی - تئوریک
گردد. آیند، نیروهای ترکمن
توانند بسته به
و علاقه مندی خود حول این
یا هر دو محور فوق به فعالیت
پرداخته و نقطه نظرات
خود را پیرامون مجموعه
مطرح در جنبش ملت ترکمن
از مسائل فرهنگی و چگونه
سازماندهی نیروهای خارج
از کشور گرفته تا جمع به
تجارب و عام ترین بنیانها
نظری در عرصه مسئله ملی
نمایند.

البته مجموعه مسائل
فوق آنستور که من فرم
وارو کسلی اشاره نمودم
تتمین تا ذکرش نیست
خواه در رفت و
بفیه در صفحه ۱۳

گروه موسیقی دولت محمد آزادی در آلمان

در حاشیه برنامه :

۱- گوینده برنامه در اعلام برنامه خود که بزبان آلمانی قرائت می کرد، در معرفی هنرمندان ایرانی عنوان کرد که در این برنامه گروههای موسیقی از آکناباد و آذربایجان شرکت دارند و جالب آنکه بعدا هم این اشتباه را تصحیح نکرد.

۲- در پایان برنامه هنرمندان ترکمن، گوینده برنامه بزبان فارسی گفت که ۱۰ دقیقه استراحت برای خانم ها و آقایان در نظر گرفتیم و بعد در اعلام آن بزبان آلمانی گفت ۱۵ دقیقه استراحت که با صدای بلند خنده بسیاری از تماشاگران روبرو گردید.

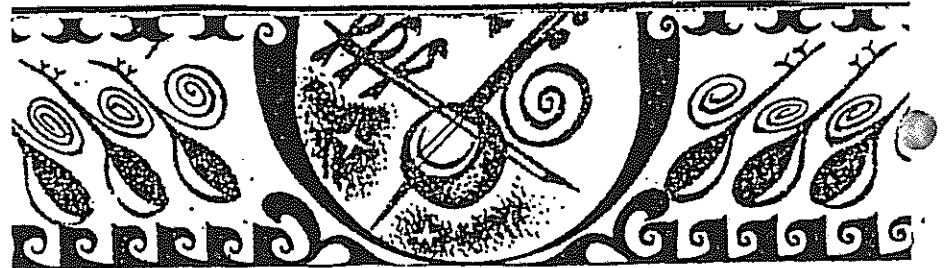
۳- در کاتولوگ تمییه شده برنامه بزبان فارسی و آلمانی نوشته شده است که در این روز خوانندگانی از ترکمنستان و آذربایجان برنامه اجرا خواهند نمود.

گروه موسیقی آزادی، عاشیق های آذربایجان به سرپرستی عاشیق حسن به هنرنمایی پرداختند.

در حد فاصل بین دو برنامه، باغشی ها و نوازندگان ترکمن با لباس

بنا به دعوت شرکت ملی هنراندین اونیون شهر دوسلدورف، در روز شنبه ۹۱-۵-۱۰

برنامه ای با حضور باغشی ها و نوازندگان ترکمن به همراه عاشیق های آذربایجان



های سنتی ترکمنی به میان تماشاگران آمده و تماشاگران ضمن تیریک به آنان برای اجراء موفقیت آمیز برنامه خویش، آنان را مورد تقدیر و ستایش قرار دادند. گروه موسیقی آزادی روز ۶ اکتبر عازم هلند گردید و قرار است در این کشور و انگلستان نیز برنامه هایی اجراء نماید.

در تالار رویرت سومین این شهر در حضور بیش از ۴۰۰ نفر اجراء گردید.

گروه ۷ نفره باغشی ها و نوازندگان ترکمن در برنامه یکمعاخته خویش، با ترانه خوانی دردی طریک و آراز محمد شیرمحمدلی و تکنوازی سرپرست گروه دکتر مسجدتکه، مورد استقبال وسیع و پرشور حضاران قرار گرفت. پس از اتمام برنامه

احساس مسئولیت می نمایند. امید آن دارم که با تلاش پیکیرانه و متعهدانه تک تک مادربرگزاری هرچه موفقیت آمیز کنفرانس سراسری، به نتایج نائل آئیم که ملت تحت ستم ما احساس کند که هنوز می تواند وجود فرزندان رزمنده خود باور داشته باشد.

تواند راه خود را از میان سنگلاخ ها و نیشیب و فرازها یافته و در راستای پاسخ به نیاز های امروز و فردای ملت ترکمن پیشروی نماید. ندوم موفقیت آمیز این روند منوط بدانست که تا چه حد، فرزندان ملت ترکمن بر رسالت خود در این مقطع از دوران سخت ملتمان در کشور و واقف بوده و تا چه حد در قبال این وظیفه سنگین

کنفرانس سراسری، قاعدتا با شنش های جدی مواجه خواهد شد. این امر بخصوص در شرایط تنوع عقاید و نقطه نظرات، کاملاً اجتناب ناپذیر است و لی هرآنگاه که مجموعه این بحث ها با هدف نیل به نقطه نظرات مشترک و واحد پیشبرده شده و عاری از عناصر مغرب تنگ نظری و خود محور بینی باشد، آن می

ایلیم گونئم بولمسا ، آیم گونئم دو غماسنن

بسیک بررسی ساد ۵۰۰
 نظر قرار بگردد، عبارت است
 از دو عنصر یا دو جوهره،
 الف: عنصر استقلال،
 روشنفکران ترکمن فدائیان را
 مستقل میدانستند و در مقابل
 حزب توده به رزم استقلال
 طلبانه آنان باور داشتند،
 ب: فدائیکری و شهادت،
 طبیعتاً هر جریان که به
 خاطر دفاع از آینده خویش
 از جان مایه میگذارد به طور
 احساسی احترام و حمیت ویژه
 ای را ایجاد می نماید.
 چنین بود که روشنفکران
 ترکمن، ایده فدائی را جذب
 نمودند و بعداً در جریان
 انقلاب بمنجه عنوان
 تفکری ملی و رهائی بخش برای
 توده های ترکمن تبلیغ و برای
 اهداف و برنامه های آتی
 بکار بستند و چنان گردید که
 اندیشه فدائی بر بستر و
 سطح نازل درک جوانان و
 روشنفکران ترکمن از
 ایدئولوژی م - ل ونسیود
 آلترناتیوی آکثیو و دارای
 طرح و برنامه عملی برای
 جنبش ملی خلق ترکمن، بشدت
 گسترش می یافت. زمینه های
 پیدایش اندیشه فدائی و
 تبدیل آن به اندیشه ملی
 کرایانه و آزادیبخش برای
 نخبوهائی سیاسی خلق ترکمن
 مبحثی است که احتیاج به
 بررسی جداگانه و همه
 جانبه دارد. همچنین ذکر
 این مورد را نیز بی مناسبت
 نمی توان دانست که از
 دهریاز در میان خلقهای
 ایران و مردم ترکمن صحرا
 کرایشات و نمابیری نوعاً
 منحصر به نبرد شکل گرفته
 بود، که اساس و بستر آنرا

شردید و بی اعتمادی به رجال
 سیاسی و مدعیان رسنکاری
 ملت و آزادی تشکیل میداد.
 کرایشی که به تجربه و تحلیل
 علتها و ریشه های آن
 بنشینیم دور از واقعیت نمی
 تواند باشد. خلقهای ایران
 به تجربه دریافته بودند که
 حاملین و مبلغان شمارهای
 ملی کرائی و آزادیخواهی، یا
 مورد حمایت روسها بوده اند
 و یا عاملین انگلیسی یا
 آمریکائی و در طول دوران
 پهلوی توده ها تنها دکتر
 محمد مصدق را بمنوان شخصیت
 مستقل و ملی متمایز می
 نمودند.

به طور عام مردم ایران
 به جریانات چپ اعتماد
 نداشتند، طرح
 انترناسیونالیزم پرولتری
 تبلیغ الکوی سوسیالیستی
 انقلاب مطابق مدل شوروی یا
 چین با آلبانی،

جریانات چپ ایرانی را در
 نظر توده ها، بیگانه پرست و
 عامل خارجی جلوه و معرفی می
 نمود. بر بستر درک عام
 بود که شرایط برای جذب
 اندیشه نه شرقی نه غربی، به
 عنوان واکنشی استقلال
 طلبانه و ضد خارجیان،
 فراهم میگردد، امر و
 واقعیتی که استقرار تفکر
 حزب الله و حاکمیت خمینی و
 آخوندها را تسهیل نمود.

در بین خلق ترکمن نیز
 کرایشات بیگانه ستیزی به
 وضوح خود را نمایان می ساخت
 اما ترکمنها به خمینی و
 روحانیت شیعه پیرو و همقطار
 ایشان نیز اعتماد نداشتند و
 در زیر سر عبا و عمامه
 آخوندها دشمنه های خونینی

می دیدند که می خواهد یکبار
 دیگر حمام های خون راه
 بیاندازد و امنیت جانی و
 مالی توده ها را مورد
 مخاطره جدی قرار بدهد.
 جنگ ها و برادر کشی های
 خونین دوره های قدیم که
 مرتجعین و مستبدان بر اساس
 تفاوت های مذهبی سنتی و
 شیعه و با استفاده از
 روحانیون انجام میدادند از
 خاطره ها محو نشده بود.
 بدین ترتیب علیبرغم
 کرایشات استقلال طلبانه و
 بیگانه ستیزی خلق ترکمن،
 تفکر و تبلیقات نه شرقی نه
 غربی خمینی و حامیانش به
 جای حمایت و پشتیبانی
 مورد مخالفت و مقابله
 توده های ترکمن قرار گرفت.
 سلطنت طلبان و روحانیت
 مرتجع ترکمن نیز با
 استفاده از چنین ترس و توهم
 و اهداف ضد انقلابی خویش را
 پیش می بردند.

نیروه های جوان سیاسی که
 مستأثر از سلحشوری ها و
 ایثار کرایهای فدائیان شهید
 بودند، روانشناسی درستی
 از ذهنیت توده ها داشتند.
 چرا که فرزندان همین خلق
 بودند و در شهرها و
 روستاهای ترکمن صحرا بزرگ
 شده بودند. آنان میدانستند
 که پایگاههای رژیم سلطنتی
 که بر ایجاد اختلافات قومی
 و طایفه ای و خان سالاری
 استوار بوده بزدی و با رشد
 و پیشرفت انقلاب تضعیف
 خواهد شد و خلق ترکمن با
 تشاهده آلترناتیوی مستقل که
 مدافع خواست ها و
 مطالبات ملی، فرهنگی و
 بقیه در صفحه ۱۴

چند خبر پیرامون افزایش آب دریای خزر

بدنبال پیشروی آب دریای خزر که خسارات فراوانی را بر اماکن و تاسیسات و اهالی ساکن در حاشیه دریای خزر فراهم آورد، صداها خانوار دیگر در نوار ساحلی و حاشیه رودخانه ها و آبگیرهای منتهی به دریای خزر گرفتار پیشروی آب دریا بوده و آب آرام آرام تمامی امکانات و حاصل دسترنج آنان را از بین می برد. لذا با توجه به وضعیت نگران کننده و قابل پیش بینی این مناطق، ضرورت اجرای طرح ایجاد موج شکن در مناطق آسیب پذیر در نوار ساحلی بش از پیش احساس می شود.

به گزارش غیرکزاری ج-۱ به رغم اقدامات مسئولان شهرهای ساحلی به منظور جلوگیری از پیشروی آب دریا، بهره ای از گسله مندیهای ساحل نشینان همچنان ادامه دارد و مردم آسیب دیده از فعالیت های موجود راضی نیستند. بنا به اظہار عده ای از اهالی ساکن حاشیه دریا که آب خانه هایشان را فرا گرفته، دولت هنوز بطور جدی با این مسئله مهم برخورد نکرده است.

در رابطه با پیشروی آب دریای خزر گفتنی است که بر اساس نمودارها در ده سال گذشته سطح آب بزرگترین دریاچه جهان ۲ متر و ۲۰ سانتی متر اضافه شده و پیش بینی میشود یک متر دیگر بر ارتفاع سطح آب افزوده شود.

در همین حال پیشروی آب دریا در سواحل کشور شوروی بیش از ۴۰۰ میلیون روبل خسارت وارد کرده است که با تداوم پیشروی آب دریا میزان خسارت در هر دو سوی دریا خزر افزونتر خواهد شد. مدیر کل دفتر فنی استانداری مازندران می گوید، تقریباً هر ۴۶ سال یکبار پیشروی و پس روی در آب دریای خزر مشاهده شده است که علت اصلی آن را به مسائلی نظیر تغییرات اقلیمی، عوامل جوی، تغییرات در پوسته کف دریا، افزایش تبخیر آب، ذوب برفها در سیبری و زلزله نسبت داده اند. بنا به اظہار وی از سال ۱۳۰۸، تا سال ۱۳۵۶ سطح آب دریای خزر حدود ۳ متر و ۳۳ سانتی متر پایین رفته که بدنبال آن احداث بی رویه ساختمان در سواحل صورت گرفته. وی می افزاید که از

اواخر سال ۵۶ (شروع افزایش آب دریا) سالانه بطور متوسط ۱۲ تا ۱۵ سانتی متر آب دریا اضافه شده است. هم اکنون سطح آب دریای خزر حدود یک متر و ۳۷ سانتی متر بالاتر از سطح آب در سال ۵۶ است و به خاطر شیب ملایم بستر برخی رودخانه ها مانند بابل رود در بابلسر آب دریا حدود ۳ کیلومتر در این رودخانه پیشروی کرده است. طبق آخرین بررسی های علمی انجام شده، احتمالاً از اواخر ماه شهریور شاهد پس روی آب دریای خزر خواهیم بود.

به منظور مهار پیشروی آب دریای خزر، در محدوده ای به طول ۲۷ کیلومتر از مناطق ساحلی استان مازندران، دیواره احداث شده و مقرر شد به منظور جلوگیری از پیشروی آب، در ۵۰ کیلومتری از مناطق ساحلی دریای خزر، در استان های گیلان و مازندران سد ساخته شود. به همین منظور ۳۵ میلیارد ریال اعتبار برای احداث ۲۷ کیلومتر سد در مناطق ساحلی استان مازندران در نظر گرفته شده است.

یک بررسی ساده

طبقاتی آنان بود، گرایش و شمار نه شاه نه غمبینی را خواهد پذیرفته در واقع چنین نیز شد و بدنبال روشنفکران ملی و دمکرات خلق ترکمن که به طور فزاینده ای برگردندائیان جوان ترکمن صخرا حلقه زده بودند، شرکت افشار و طبقاتی از مردم زحمتکش شعری و روستائی در تظاهرات و راهپیمایی های آن فزونی می یافت. فدائیان ترکمن از مجموعه حوادث و حرکت های سیاسی با تیزبینی و ذکاوت بهره می جستند و توانستند قبل از سقوط رژیم شاه جریان ملی گرائی را سازمان بدهند که خلق ترکمن آنرا می شناخت و از آنان حمایت می نمود. در واقع در مدتی نه چندان طولانی و در آن شرایط پرتحول و سرنوشت ساز جنبش نیرومندی شکل گرفته بود که نیروی رهبری کننده آنرا جوانان و روشنفکران ترکمن با آرمانخواهی فدائی تشکیل می داد. این نیرو بدنبال پیروزی انقلاب بحمن و بر چیده شدن بساط نظام سلطنتی، با بنسبانیگذاری مستحکم ترین و گسترده ترین نهاد نوده ای یعنی کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن و ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صخرا، عملاً رهبری جنبش ملت ترکمن را به عهده گرفته بود.

ادامه دارد

سخنی با خوانندگان گرامی

بدنبال انتشار مجدد ایل گویجی، نامه هایی از دوستان گرامی دریافت نمودیم که آنها ضمن ابراز خرسندی از انتشار دوباره ایل گویجی، مقالاتی را نیز جهت چاپ در نشریه ارسال نموده اند.

ما با امتنان از ابراز محبت های این دوستان و استقبال از ادامه همکاری آنان با ایل گویجی، توجه خوانندگان گرامی را به سه نکته زیر جلب مینمایم

۱ - خواهشمندیم مقالات ارسال برای ما (غیر از مقالات تحقیقی و تاریخی) از ۱۰ صفحه

تجاوز ننمایید، بطوریکه بتوان آنها را حداکثر در دو شماره بچاپ رساند.

۲ - کلیه مقالات و بویژه مقالاتی که بزبان ترکمنی نوشته می شوند، خوانا باشند.

۳ - در صورت امکان مقالات در یک روی صفحه نوشته شوند.

با تشکر - هیات تحریریه

<p>آدرس ایل گویجی</p> <p>POSTLAGER KARTE</p> <p>NR. 127492 C</p> <p>4800 BIELEFELD</p>
--

با کمک های مالی خود ایل گویجی را در انجام وظایف انقلابی یاری دهید.